

ریاست فتح‌الله خان سپهدار اعظم گیلانی و اوصاع در بار سیاست بازی بیگانه را نشنیده فرض نماید .

رئیس‌الوزراء قزاقخانه را میدهد بسردار همایون یکی از صاحبمنصبان محترم قدیم که شخصی بی حال است و از خارجه ها هم ملاحظه بسیار دارد . بدیهی است سردار همایون بعد از سردار استراوزلسکی مرد میدان جمع آوری قزاق زنجیر گسسته متفرق شده نمیباشد و پیداست که این يك صورت سازی است که از روی مصلحت شده است .

مخارج قزاقخانه را انگلیسیان میدهند ردر زیر پرده نازکی در همه کار آن اداره مداخله میکنند و اختلاف نظر شدید میان صاحبمنصبان این اداره موجود است . آیا رئیس دولت و سردار همایون از این ترتیب بی خبرند البته باور کردنی نیست و بهر حال صدای قزاقخانه خاموش میشود و انگلیسیان در اخبار خود نشر میدهند که بعد از رفتن صاحبمنصبان روسی از قزاقخانه ایرانی صاحبمنصبان مداخله شده مداخله میکنند اما در تهران دیده نمیشود که انگلیسیان مداخله مستقیمی در کار قزاق بنمایند و هر دستی در کار داشته باشند از آستین ایرانی در آمده است که باراده آنها کار روانی میکند و این مخصوص این قوم سیاستمدار است در مملکت‌هایی که میخواهند نفوذ سیاسی و اقتصادی داشته باشند .

در اینوقت تکلیف اهم رئیس دولت وفای بوعده ایست که بانگلیسیان داده است که در ظرف مدت چند هفته مجلس شورایی را بهر صورت باشد دایر کند و قرارداد را بمجلس برده تکلیف آنرا معین نماید این است که بحکام ولایات و بوالییای ایالات حکم مؤکد داده است باقی مانده نمایندگان را بهر صورت باشد تعیین کرده بمرکز بفرستند .

بدیهی است هر قدر صدای تعجیل در انتخابات از طرف دولت و افتتاح مجلس بیشتر بلند میشود هیجان ملت بر ضد انتخابات فرمایشی افزون و اظهار نارضائی مردم در مرکز و ولایات از بدی جریان انتخابات بر زیادت میگردد .

تلگرافها و لوایح و عرایض است که از اطراف مانند برف بر سر رئیس دولت و بروی میز وزارت داخله ریخته میشود مشمر بر نارضائی مردم از انتخابات و از حق شکنیهای

آشکار که در این موضوع میشود و چنان مینماید که قانون اساسی و نظامنامه انتخابات بکلی لغو شده باشد رئیس دولت همه را میبیند و میشوند و جواب میدهد انتخابات صحیح یا غلط نماینده حقیقی و یا ساختگی هر که و هر چه هست باید بفوریت خود را بتهران رسانیده مجلس دائر گردد در این حال يك عده کم از اشخاص صالح که در تهران بیشتر و در ولایات کمتر اتفاقاً بمقام مابندگی رسیده اند از افتتاح مجلس و حضور در سر خدمت نمایندگی با محذور آمدن قرارداد بمجلس و مشکلاتی که در رد و قبول آن هست رضایت ندارند و نمیخواهند مجلس بزودی دائر گردد برعکس نمایندگان فرمایشی برای گرفتن معاش و هم بتحریر دیگران نهایت اصرار را دارند و جز منافع شخصی خود چیزی در نظر ندارند.

آیا انگلیسیان در این حال چه میکنند؟ انگلیسیان با دیدن این اوضاع از اینکه قرارداد در مجلس شورایی ایران پذیرفته شود هر قدر هم که مجلس ساختگی بوده باشد ناامید شده اند در این صورت میخواهند مواد عمده و اساسی قرارداد را بصورت دیگر رسمیت بدهند یعنی با بدست گرفتن مالیه و قشون مملکت روح قرارداد را اجراء کنند و جسم آنرا بگذارند هر چه میخواهد بشود بلی انگلیسیان میخواهند مأمورین مالیه و قشونی آنها در ایران دارای تمام قدرت و اختیار بوده باشند و با پول و جان ایرانی برای حفظ هندوستان و عراق عرب در مقابل قشون سرخ روس در ایران هم سدی بربندند و از طرف منافع اقتصادی نفت و غیره هم که در جنوب مملکت دارند خیالشان راحت بوده باشد.

انگلیسیان روز و شب کار میکنند که پیش از منتشر شدن افکار بلشویکی در ایران و پیش از رسیدن خبرهای مسکو از همراهی زیاد دولت سویتی با نماینده فوق العاده ایران که موجب قوت گرفتن افکار ملیون بر ضد دخالت آنها در کارهای این مملکت است بهر تدبیر باشد امضائی از ملت و دولت ایران بگیرند که مالیه و قشون اختیارش در دست آنها است.

انگلیسیان خاطر درباریان و شاه جوان بی تجربه علاقمند بتمول زیاد خود را طوری از طرف بلشویک روس مضطرب ساخته اند که تصور میکنند اگر هر چه آنها

ریاست فتح الله خان سپهدار اعظم گیلانی و اوضاع دربار و سیاست بازی بیگانه  
بگویند پذیرفته نشود مملکت بدست بلشویک خواهد افتاد و هر چه دارند از  
دستشان میرود .

از طرف دیگر در اخبار خارجه نشر میشود که مشاور الممالک مذاکراتش در



مسکو بطور رضایت  
بخش در جریان است  
و بزودی خاتمه خواهد  
یافت و بانهایت کوشش  
که در جلوگیری از  
نشر این اخبار در داخل  
مملکت میشود بساز  
مستور نمیمانند و از  
سفارتخانهای غیر انگلیس  
و منابع دیگر کم و بیش  
منتشر میگردد و گاهی  
دیدن میشود که  
تلگرافهای مسکو که  
از راه ترکستان به ایران  
میشود چند روز در  
تلگرافخانه های  
سرحدی بیپایانه حاضر  
نبودن تلگرافی که

علیقلی خان انصاری مشاور الممالک

حروف لاتین بخواند و یا بیپایانه خوانا نبودن حروف و حاجت بمطالعه و دقت چند  
روز در سرحد نگاهداشته میشود که دیرتر بمقصد برسد .

از طرف دیگر دولت ایران بمشاور الممالک مأمور فوق العاده خود در مسکو

## فصل بیستم

اختیارات داده است که هر طور صلاح بداند بکار معاهده میان دودولت خاتمه بدهد و با علاقمندی خود او بتأسیس روابط نیکومیان دومملکت ممکن است کار معاهده بزودی تمام شود و اگر نتواند دولت و ملت ایران را از روس بلشویک بترسانند.

بهر صورت از روی این پیش آمدها انگلیسیان ناچار میشوند یادداشت فوری بدولت ایران داده تقاضا کنند بطور رسمی مالیه وقشون را در تحت قدرت و اختیار آنها وابگذارند تا وقتی معاهدۀ روس بلشویک برسد بر کار تمام شده وارد شود و اختیار زر و زور این مملکت را بطور قانونی در دست انگلیسیان مشاهده نماید.

طرفدار یا غیر مخالف با این نظریه انگلیسیان در ایران کیانند و عدد آنها چقدر است اول همه بعضی از اعضای کمیته زرگنده دوم یکعده از نمایندگان فرمایشی مجلس شورای ملی که در سایه روابط دوستانه با کارکنان سفارت انگلیس بمقام وکالت رسیده اند و اما اینکه عدد آنها چقدر است تصور میکنم اگر خوب دقت بشود و درست بشماریم عدد آنها از هر حیث بصد نفر بالغ نگردد و اما البته در میان این عده اشخاص بانفوذی هستند که میتوانند تبلیغات و تحریکاتی نموده باشند. خلاصه در ماه ربیع الاول یک هزار و سیصد و سی و نه (۱۳۳۹ هـ) در سفارت انگلیس در تهران یادداشت بالابلندی در چند صفحه نوشته از طرف دولت بریتانی کبیر بدولت ایران داده میشود و در نتیجه مشورت های سری و غلنی شاه و وزیر وکیل و غیره در نظر گرفته میشود و یا آنکه غیر مستقیم یادداشت دهندگان هم در این نقشه نظر داشته اند که چون مجلس شورای ملی دائر نیست یک مجلس عالی بامر شاه در دربار تأسیس شود مرکب از وجوه تمام طبقات ملت بضمیمه نمایندگان که تا کنون انتخاب شده اند و یادداشت انگلیس در آن مجلس خوانده شود و بعد از آنکه اعلی حضرت بآن رسمیت داده باشند برای مجلس مزبور دولت جواب یادداشت را تهیه نماید.

این صورت ظاهر کار و اما نقشه حقیقی که نوشته شد شاید فکر یادداشت دهندگان هم در آن دخالت داشته باشد این است که چون این مجلس عالی رسمی منعقد گشت و یادداشت خوانده شد بدیهی است یک جمعیت سیصد نفری که نمیتواند در یادداشت نظر کند و رأی بدهد پیشنهاد شود که رأی در باب این یادداشت در مجلس شورای ملی

ریاست فتح‌الله خان سپهدار اعظم گیلانی و اوضاع دربار و سیاست بازی بیگانه باید داده شود و چون عدد نمایندگان برای دائر شدن مجلس کافی نیست از میان این مجلس رسمی عالی سی نفر انتخاب شوند که بایست و چند نفر نماینده انتخاب شده عددشان با اکثریت نمایندگان در مجلس مطابق شود و این هیئت شصت نفری تقریباً در بهارستان جمع شده موقتاً بجای مجلس شورایی در موضوع قبول یارد یادداشت انگلیس رأی بدهند و در اینحال سعی کنند هر چه بشود از طرفداران سیاست انگلیس که در این مجلس عالی دعوت شده‌اند جزء آن سی نفر بوده باشند در اینصورت در پذیرفته شدن یادداشت مزبور تردیدی نخواهد بود و این کار در ظرف یکی دو روز انجام خواهد گرفت و انگلیسیان بفوریت خواهند توانست اختیار زر و زور مملکت را در دست قدرت خود بگیرند زان پس مجلس دیر باز شد یا زود اعتراضی بر انتخابات نمایندگان شد یا نشد قانون اساسی خونبهای حساسترین افراد این ملت متزلزل گشت یا نگشت بحال آنها چه تفاوت خواهد داشت بلکه هر چه بیشتر ملیون بجان یکدیگر افتاده بر سر الفاظ بی معنی و بروی جسم مرده‌ئی که روحش در قبضه قدرت آنهاست بطوریکه هر ساعت سر کیسه را ببندند و سر نیزه را دراز نمایند بیچارگان خود را ذلیل و زبون دیده جز فرمانبرداری کردن چاره‌ئی نداشته باشند قانون اساسی و مشروطیت هم در زیر دست و پای کشمکش کنندگان بی خبر پایمال شود اگر برای ایشان سودی نداشته باشد زیانی نخواهد داشت .

بهر صورت سفارت انگلیس بعد از قبولانیدن انعقاد يك مجلس عالی و اجرای نقشه مزبور بدولتیان اطمینان یافت که بعد از یکی دو روز متخصصین نظامی و مالیه‌ئی آنها که در اثر قرارداد بهتران آمده‌اند هر يك با قدرت و اختیار کامل بکار خود خواهند پرداخت .

این افکار انگلیسیان و دوستان ایشان در ایران اینک باید بافکار ملیون و وطنخواهان تهیدست بی تشکیلات دارای افکار متشتت نظر نموده بینیم آنها در چه حال و در چه کارند .

«رقعه دعوت بدست قریب سیصد نفر از روحانیان و اعیان و تجار و کسبه تهران برای حضور در مجلس عالی در بار از طرف دولت با مضای وزیر در بار بمضمون ذیل میرسد سیزدهم

### فصل بیستم

ربیع الأول یکم هزار و سیصد و سی و نه (۱۳۳۹ هـ) برای مشاوره در یک امر فوری مهمی اراده سنیه ملوکانه را و احنافداه شرفصدور یافته که مجلس مشورت عالی در دربار اعظم تشکیل گردد حسب الامر الاقدس الاعلی مجلس مزبور یک ساعت و نیم بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۶ شهر جاری در عمارت بادگیر واقع در گلستان انعقاد خواهد یافت لذا زحمت میدهد در ساعت مذکور در آن مجلس شرف حضور بهم رسانیده پس از اصغای فرمایشات ملوکانه شرکت در مشورت فرمائید ایام افاضت مستدام موثق السدوله درباریان در این دعوت ملاحظه میکنند اشخاصی را که ضدیت خود را با انگلیسیان آشکار کرده اند و نبود راضد قرارداد معرفی نموده اند کمتر دعوت شده باشند با وجود این بدیهی است همه گونه اشخاص در میان جمع یافت میشوند .

در این حال ملیون از طرف این مجلس بسیار نگرانی دارند و حق دارند نگران بوده باشند زیرا ممکن است این مجلس حق حاکمیت ملی ما را از ما سلب نماید و بلکه مملکت را بصورت قانونی گرچه ساختگی بوده باشد با جنبی تسلیم نماید . ملیون هر کس را بدانند رقعہ دعوت برای آورفته است میروند میبینند میگویند و اصرار و ابرام میکنند که در آن مجلس حرف حقی بگویند .

ملیون لوایح متعدد بهر صورت که بوده است حاضر نموده اند همه حاکی از اینکه این مجلس صلاحیت ندارد در موضوع پیشنهاد انگلیس رأی بدهد و اگر بخواند هیئتی را از میان خود برگزیند در صورتیکه خودش این صلاحیت را ندارد چگونه برگزیدگان او صلاحیت خواهند داشت .

این لوایح را حاضر کرده اند با قسمنامه های متعدد و اوراق تهدید آمیز که در موقع ورود دعوت شدگان بمجلس عالی دربار بدست آنها بدهند تا کمک فکری صاحب وجدانها و تهدید به مناصر فاسد بیگانه پرست داده و نموده باشند .

و بالجمله در مدت دو روز و دو شب پی در پی دستجات بسیار از مؤالف و مخالف اجتماع دارند و در اطراف قضیه مجلس در باز میگویند و میشوند واقفانامات سری و علنی مینمایند بیگانه دوستان هم در آمد و رفت شبانه روزی بسفارت انگلیس برای خود شیرین کردن و اطلاعات دادن ( چنانکه شواهدی بدست آمده است )

ریاست فتح‌الله خان سپه‌دار اعظم گیلانی و اوضاع دربار و سیاست بازی بیگانه

کوتاهی ندارند.

نگارنده در این ایام با چند تن از وطن‌خواهان از رجال دولت و ملت حوزه کوچکی دارد که در مسائل سیاسی جاری شور می‌نماییم و در آن حوزه میان ما قطع میشود هر یک از ما را بمجلس دربار دعوت کردند باید برویم و بهر وسیله باشد مخالفت کرده نگذاریم بیگانگان و بیگانه پرستان باجرای نقشه‌ئی که کشیده‌اند و نتیجه‌اش محوشدن استقلال ایران است کامیاب گردند اتفاقاً بیش از نصف از اعضای آن حوزه بمجلس عالی دربار دعوت میشوند.

## فصل بیست و یکم

### مجلس عالی درباره و برهم خوردن آن

دو ساعت بعد از ظهر روز شنبه شانزدهم ربیع الاول یک هزار و سیصد و سی و نه (۱۳۳۹هـ) مجلس عالی درباره در طنبی بزرگ عمارت بادگیر باغ گلستان تهران منعقد میگردد. عموم مردم منور الفکر تهران از این مجلس بی نهایت نگرانند حتی خود انگلیسیان و دوستان ایشان که یقین دارند نتیجه مثبت خواهند گرفت باز خالی از نگرانی نمیباشند. چنانکه دیده میشود پاره‌تی از نایبهای سفارت انگلیس با کلاه ایرانی یعنی بطور ناشناس در باغ گلستان با حال تحیر قدم میزنند و بجزریان احوال بدقت نظر مینمایند خصوصاً وقتی مشاهده میکنند دستجات سیاسی در فضای عمارت کربمخانی موسوم بحیاط تخت مرمر با حال اضطراب و باتضرع تهدید آمیز بر اعضای مجلس عالی که میخواهند از آن فضا گذشته باغ گلستان وارد شوند سر راه گرفته با هر کس باندازه احساسات و سوابق وطنپرستی یا خارجه دوستی او صحبت داشته از اوراقی که در دست دارند باو میدهند و میگویند خدا و وجدان و وطن را! فراموش نکنید بعضی از بزرگان از وطنپرستان را میبینند قرآنی در دست گرفته رجال و شاهزادگانی را که از آنها در وطنخواهی اطمینان ندارند بکلام الله قسم میدهند که اگر نمیتوانند بر صلاح مملکت سخن بگویند سکوت کرده لا و نعمی نکویند بدیهی است دیدن این اوضاع و مشاهده پریشان احوالی مردم و تأثیرات این اقدامهای وطنپرستانه از طرف ملیون در وجود واردین باغ گلستان برای خودی و بیگانه نگرانی آور است نگراننده نیز از همین فضا باید بگذرد و بمجلس عالی بروم دسته بزرگی از ملیون که سر دسته ایشان شیخ محمد علی الموتی است شخص جسدی وطنپرست در کسوت روحانیان سر راه بر من گرفته باین عبارت احساسات وطنپرستانه مرا بهیجان میآورند آیا شما هم باید سفارش کرد و نصیحت داد.



مجلس عالی دربار و برهم خوردن آن  
نگارنده آنها را اطمینان داده میگویم ممکن نیست بگذاریم از مجلس نتیجه‌ئی  
که صلاح مملکت نباشد گرفته شود .

باری مجلس منعقد میگردد روحانیان يك طرف شاهزادگان يك طرف وزراء  
منسوب و وکلای انتخاب شده در وسط وزرای قدیم و اعیان و تجار و کسبه در اطراف  
دیگر قرار میگیرند .

در این حال سلطان احمد شاه وارد شده در وسط مجلس نزدیک هیئت دولت  
ایستاده مختصر تعارفی با روحانیان میکند زان پس بشهاب الدوله رئیس تشریفات اشاره  
میکند نطق او را که نوشته شده است بخواند .

رئیس مزبور لایحه ملوکانه را میخواند حاصلش آنکه از طرف سفارت دولت  
انگلیس یادداشتی بدولت ماریسیده است که وزراء نتوانسته‌اند خود جوابی بآن بدهند  
مجلس شورایملی هم که محل صلاحیتدار است داین نیست از اینرو از ما تقاضا کرده‌اند  
بانعقاد این مجلس عالی امر بدهیم تا بعد از تبادل افکار هر چه در این مجلس رأی داده  
شد ما همان را اجراء نمائیم باقی مطالب را رئیس الوزراء خواهند گفت .

اعلیحضرت بعد از تمام شدن لایحه از مجلس میروند و رئیس دولت بمیرزا  
حسین خان ادیب السلطنه گیلانی معاون خود امر میکند لایحه وزارتی را بخواند .  
لایحه مزبور شرح و بسطی است از لایحه مختصر شاه به علاوه لزوم توجه این مجلس  
بگرفتن نتیجه قطعی تا بتوانند بیادداشت سفارت جواب بدهند .

رئیس الوزراء که از تندروان ملت ملاحظه دارد از خود دفاعی کرده پس از تمام  
شدن قرائت لایحه وزارتی میگوید من یادداشت سفارت انگلیس را فقط باین مجلس  
آورده‌ام بی آنکه بخواهم از آن مدافعه کنم و باین بیان دو مطلب را میرساند یکی مضر  
بودن یادداشت و دیگر آنکه اواصراری بموافقیت کردن بآن ندارد .

واضافه میکند که هر چه در این مجلس رأی داده شد همان را بموقع اجراء  
خواهم گذاشت همه تصور میکنند که بعد از نطق رئیس دولت یادداشت انگلیس  
خوانده خواهد شد ولی ناامامی گفتار رئیس الوزراء میرساند که با تشنه دیگر و برور  
خواهند شد چه در آخر نطق خویش میگوید چنین بنظر میرسد هیئتی از میان این

## فصل بیست و یکم

مجلس انتخاب شود که آن هیئت در یادداشت سفارت دقت نظر نماید مرادش این است که یادداشت در مجلس عمومی خوانده نشود و نتیجه‌ای که از این مجلس میگیرند فقط این باشد که انجمنی را از میان خود انتخاب کرده کار مطالعه کردن در یادداشت و تعیین تکلیف دولت در رد و قبول آن بعهده آن انجمن باشد و این عین نظریه یادداشت دهندگان و کارکنان ایرانی آنهاست چنانکه از پیش گفته شد.

رئیس الوزراء سکوت میکند با انتظار جواب اما کسی جوابی نماند و ناچار میسرود یادداشت حاضر است آیا در انجمنی که انتخاب میشود خوانده شود یا در همین مجلس از هر طرف صدا بلند میشود در همین مجلس رئیس الوزراء بمعاون خود امر میکند یادداشت را قرائت نماید.

یادداشت بزرگ خوانده میشود یادداشت روی صفحه‌های کوچک آبی رنگ نوشته شده شاید بیش از ده صفحه وحك واصلاحات در متن وحاشیه شده است که کار خواندن را مشکل کرده چنانکه دیده میشود خواننده مکرر توقف میکند و گاهی از متن بحاشیه می‌رود و خوب نمایان است که یادداشت دهندگان و همدستان ایشان بسیار عجله داشته‌اند که برای پاك نویس کردن و مرتب ساختن آن فرصتی نبوده است یادداشت مشتمل است بر یادآوری حوادث گذشته و نمودن اوضاع حاضر ایران با منت گذاردن از مساعدتهایی که یادداشت دهندگان با ما نموده‌اند و ضمناً تذکر داده‌اند که از قرارداد و ثوق الدوله هیچ‌ده ماه میگذرد و هنوز بی تکلیف مانده است و اینکه هر چه زودتر باید تکلیف آن معلوم گردد و هم اظهار میکنند که بمحض اقتضاء نمودن وقت قشونی که ما در ایران داریم خواهد رفت و ناچار برای حفظ پایتخت از حمله متجاسرین و غیره باید در این مملکت استعدادی موجود باشد ملت انگلیس هم دیگر حاضر نیست با ایران کمک مالی بنماید ولی میتوان از کیسه‌های خصوصی برای تهیه آن استعداد مساعدتی کرد و این مساعدت بقرضی که در قرارداد و ثوق الدوله ذکر شده مربوط نمیشود و هم تذکر داده شده بود که افراد این قوه باید از میان قزاق ژاندارم و سر باز حاضر ایران جمع آوری شده مرتب گردد در این صورت لازم است اختیار قوه نظامی و اختیار مالی ایران در دست ما بوده باشد بدون دخالت وزارت مالیه ایران و یاوزارت

مجلس عالی در بار و برهم خوردن آن جنگ اگر این تقاضا پذیرفته شد چه بهتر والا باید دانست که ایران محو خواهد شد و این تهدید در دوسه جای یادداشت تکرار شده است .  
وبالاخره نصیحت مشفقانه بایرانیان داده اند که فریب روسها را نخورید آنها کجا بوعده های خود وفا کرده اند که در ایران بکنند باشمردن چند مثل برای خلف وعده کردن روسهای باشویک در قفقاز و غیره .

چون در صدد هشتم عین صورت یادداشت را بدست آورده بواسطه غرابتی که دارد در کتاب خود درج نمایم بیش از این برای جستجو کردن در زوایای خاطر از جمله های درهم و برهم آن خود را زحمت نمیدهم . باری شنوندگان همه بغیر از کسانی که از مضمون یادداشت آگاه بوده اند بحیرت فرو میروند و از گوشه و کنار کلمات تفرآمیز شنیده میشود .

یادداشت باآخر میرسد و سکوت بهت انگیزی در مجلس حکمفرما میگردد وبالاخره سکوت مجلس درهم شکسته میشود بخوانده شدن لایحه از طرف هیئت روحانیان حاصل مضمونش آنکه ما با کسی جنگ نداریم سفیر فوق العاده بروسیه فرستاده ایم باید منتظر شویم از او چه خبر خواهد رسید .

مقصود هیئت روحانی این است که ما هنوز در معرض تهدید بلشویک روس نمیباشیم چونکه سفیر ما آنجا در کار جواب و سؤال است و خبرهای مساعد از طرف او میرسد بدیهی است این عنوان اساسی و جواب حقیقی یادداشت مزبور است زیرا میفهماند که ضرورتی اقتضا نکرده است ماقشون و مالیه خود را در اختیار انگلیسیان واگذار نمایم .

پس از خوانده شدن لایحه روحانیان بعضی از وزراء و بارهائی از انتخاب شدگان برای نمایندگی مجلس شورایی اظهار نظر میکنند و همه باهم صحبت میدارند در این حال یکی از رئیس دولت تقاضا میکند مجلس را منظم کنند و یک با اجازه صحبت بدارند رئیس الوزراء بشهاب الدوله امر میکند مجلس را منظم بسازد نگارنده در حال پربشان خاطری که دارد از اینکه نتواند حرف حقی بگوید خوشحال میشود که بنوبت خود هر چه باید بگوید خواهد گفت و اجازه میخواهم و چون نام ثبت میشود آسوده

### فصل بیست و یکم

خانلر میگرددم حاج آقای شیرازی در کسوت روحانی انتخاب شده از فارس نخست رخت نطق طلیده میگوید ما هیئت نمایندگان (مراش سی نفر نماینده متحد شده میباشد که مخالف قرارداد نمیباشند) بعد از تبادل نظر سه نفر را از میان خود انتخاب کرده ایم در این مجلس صحبت بدارند یکی من هستم که میگویم کارها از محور طبیعی خود خارج شده و میشود اینگونه مطالب باید در مجلس شورای ملی مطرح گردد باید بفوریت مجلس را باز کرد یادداشت را بمجلس برد و هر چه رأی دادند مجری گردد و اضافه کرد که باز کردن مجلس هم معطلی ندارد دیگران هم نخواستند بکنند و گرنه هیئتواستند .

جمله آخر اعتراض بود بمشیرالدوله رئیس الوزراء سابق که روبروی ناطق نشسته بود و نباید تصور کرد که ناطق بمخالفت با یادداشت سخن گفته باشد زیرا نقشه مشترک یادداشت دهندگان وعده ای از نمایندگان این است که راجع بلزوم تعجیل در افتتاح مجلس صحبت بشود و چون عده انتخاب شدگان تا این وقت کافی نیست سی نفر از این مجلس عالی انتخاب شده موقتاً کسر نمایندگان مجلس را جبران کنند برای مذاکره راجع یادداشت انگلیس یا روح قرارداد آنها چنانکه از پیش گفته شد .

ناطق دوم بازیکی از سه نفر از نمایندگان است سید محمد تدین که مفاد نطق همکار و هم یمان خود را بعبارت دیگری بیان مینماید و پیداست که سیمی یعنی سردار معظم خراسانی هم همانرا خواهد گفت ولی نوبت نگارنده پیش از اوست برخاسته میگویم اولاً از حجج اسلام تشکر میکنم که قسمتی از مقصود مرا در لایحه خود بیان فرمودند و ثانیاً عرض میکنم این مجلس بسیار محترم است اعلیحضرت همایونی تشریف آورده آنرا رسمیت داده اند حجج اسلام شاهزادگان بزرگان از رجال دولت و ملت حاضرند ولی با وجود این این مجلس برای مذاکره کردن در موضوع این یادداشت که از سفارت انگلیس رسیده است صلاحیت ندارد آنگاه صدای خود را بلند کرده میگویم نه تهران ایران است و نه ایران تهران صدای تحسین بلند میشود و از گوشه ای شنیده میشود امین الشریعه نماینده فارس میگوید و نه تهران این مجلس گوشه ای شنیده نطق خود را تعقیب کرده میگویم یادداشت باید برود بمجلس .

مجلس عالی دربار و برهم خوردن آن

شورایملی و چون این جمله نقشه نمایندگان است همه تصدیق میکنند بی آنکه بدانند بعد چه گفته خواهد شد نگارنده - اما کدام مجلس شورای ملی مجلسی که اکثریت آن طرف توجه و اعتماد ملت بوده باشد پس بهتر است که پیش از انعقاد مجلس شورای ملی برای رفع اعتراضات که بر انتخاب پاره‌ئی از آقایان هست و افکار ملت را مشوش دارد فکری بشود تا صمیمیت میان ملت و نمایندگان بوده باشد آنگاه مجلس افتتاح شده بوظایف خود رفتار نماید .

اینجا همهمه در میان نمایندگان افتاده چند تن از آنها مخصوصاً سه نفر نماینده نمایندگان که نام برده شدند زبان با اعتراض میکشایند و میگویند تو همین شد خارج از موضوع سخن گفته شد اگر کسی با انتخابات اعتراض دارد باید بعد از افتتاح مجلس در مجلس بگوید بالجمله صدای هیاهوی نمایندگان بلند میشود و بیشتر آنها در اعتراض بر نگارنده شرکت میکنند و یکی از آنها فریاد میکند ناطق را بزید از مجلس بیرون کنید چون کسی گوش بحرف او نمیدهد یکم تبه قسمت عمده نمایندگان برخاسته در برابر نگارنده ایستاده مرا ملامت میکنند مجلس بحال انقلاب افتاده است و نگارنده ساکت ایستاده رفتار کود کانه کسانی را که میخواهند کشتی يك مملکت پر آشوب را بساحل نجات بکشانند تماشا میکنم و چون اصرار میکنند ناطق را از مجلس بیرون کنید میگویم من حرف حق زدم چرا بروم هر کس نمیتواند حرف حق بشنود روانه شود این را میگویم و بجای خود مینشینم .

اعتراض کنندگان را این سخن و بی اعتنائی من بیشتر عصبانی کرده خود را آماده بیرون رفتن مینمایند کسی هم آنها را مانع نمیشود و اگر مانع میشدم شاید آنها بیرون رفتن نگارنده را شرط میکردند و این کاری کشمکش میان آنها و طرفداران من صورت نمیکرفت .

باجمله نمایندگان غیر از چند نفر که بانگارنده موافق بودند بصورت اجتماع از مجلس بیرون رفتند و در حال بیرون رفتن یکی از آنها ( سید محمد تدین ) رو بمشیرالدوله کرد و گفت بیانیه ششم (۱) اسد تو بود که مارا باین روز انداخت و گر نه

(۱) مرادش بیانیه ایست که مشیرالدوله در موضوع صحت و فساد انتخابات و ازوم

### فصل بیست و یکم

کسی نمیتوانست در چنین مجلس اینطور بما حمله نماید.

پس از بیرون رفتن نمایندگان دونفر از وزراء میروند آنها را استمالت کرده برگردانند مجلسیان هم بعضی جابجا شده آهسته و درهم برهم صحبت میدارند بعضی میگویند درست گفته شد و نمایندگان بناحق از شنیدن سخن حقی بر آشفته شدند بعضی هم متحیرند چه بگویند.

www.KetabFarsi.com

## فصل بیست و دوم

### دسیسه کاری و کشف حقیقت

نگارنده ساکت و آرام نشسته از گفته خود پشیمان نیست و از بیرون رفتن نمایندگان مخالف خود ملالی ندارد چنانکه از بجای ماندن موافقین از آنها مسرور هستم خصوصاً که از مشیرالدوله میشنوم آهسته میگوید شما خارج از موضوع سخن نگفید بلکه آنکس خارج از موضوع گفت که اظهار کرد من میتوانستم مجلس را بازکنم و نکردم چند دقیقه مجلس با اینصورت میگذرد اشخاصی میآیند باوزراء و علماء صحبت میدارند و میروند در اینحال حاج سید محمد امام جمعه تهران نزد نگارنده آمده میگوید بهتر آن است با اتفاق برویم از نمایندگان دلجوئی کرده آنها را برگردانیم سایر روحانیان هم این نظر را تأیید مینمایند نگارنده با اتفاق امام جمعه از مجلس خارج شده در حیاط باغ گلستان احساس میکنم این دسیسه‌ئی بود برای بیرون بردن من از مجلس و برگردانیدن نمایندگان از این رو چون امام جمعه ببهانه رفتن نزد نمایندگان برای حاضر نمودن ایشان باصلاح می‌رود نگارنده توقف نکرده بطرف حیاط تخت مرمر روانه میشوم که بمنزل خود بازگشت نمایم و تصور کردم تکلیف خود را ادا کرده‌ام مجلس هم دیگر منعقد نخواهد شد در صورتیکه نمیدانم در حیاط تخت مرمر چه گذشته است و خارج از دربار چه هنگامه ایست بلی خارج از دربار جمعیت بسیار از هر طبقه جمع شده بانهایت بیصبری انتظار نتیجه مجلس را دارند در حیاط تخت مرمر هم جمع کثیر از وجوه ملیون که شرح رفتار آنها با واردین از پیش نوشته شد در حال انتظارند و در میان این جمع اشخاصی هم از عنصر های فاسد وجود دارند که بظاهر همرنگ ملیون و در باطن خدمتگذار بیگانگانند چندان تمیزی هم در کار نیست بلکه شاید حرارت مصنوعی آنها بر ضد قرارداد و یادداشت انگلیس برای خلط مبحث کردن از عناصر صالح برزیادت بوده باشد در اینوقت که نمایندگان قهر کرده از مجلس بیرون

میروند آنها کسی را روانه میکنند باین مردم بگویند و یا از آن اشخاص فاسد کسی از زبان آنها چیزی شنیده در میان این جمع از ملیون شهرت میدهد که نمایندگان خواستند برضد یادداشت صحبت بدارند ولی فلانی (یعنی نگارنده) بحمايت یادداشت بر آنها حمله کرد آنها هم تعرض کرده از مجلس خارج شدند این خبر ساختگی و این دسیسه مضحک خاطر ملیون را متأثر ساخته همه در حال حیرت هستند که من از دور نمایان میشوم بآرامی و بامسرت خاطر میآیم.

جمعیت بطور تعرض بجانب من میآیند خصوصاً که میبینند من تنها و زودتر از هر کس و در غیر موقع انتظار بیرون آمده ام فریاد میکنند چه بود؟ چه شد؟ بعضی از روی حیرت میگویند شما شما!! نگارنده من چه کرده ام یکی با اضطراب خاطر خیر جعلی را نقل میکند میگویم دروغ است و مسئله برعکس در این حال صدائی از پشت سر شنیده میشود کسی نام مرا میبرد و بمردم میگوید او وظیفه وطنپرستی خود را کاملاً ادا کرد این شخص حاج سید محمد معروف بصراف است که مردی پرهیز کار و وطن دوست و محل اعتماد ملیون میباشد حاج سید محمد بعد از نگارنده از مجلس در آمده اینک میرسد و تصدیق اوشبهه را از ملیون بر طرف میسازد همه بمهربانی اطراف نگارنده جمع شده تقاضا میکنند شرح مطلب را بیان نمایم.

نگارنده مختصری از ماوقع نقل میکند و صدای زنده باد آنها بلند میشود نگارنده میخواهد روانه شود و نفر از صاحبمنصبان نظمیة رسیده مرا بعنوان اینکه باید بمجلس عالی برگردید برده در باغ گلستان در اطاق وزیر دربار توقیف مینمایند. و اما حال مجلس بعد از انقلاب مزبور و حال تعرض کنندگان بعد از بیرون آمدن نگارنده امام جمعه تهران بعضی از نمایندگان را بمجلس عالی برگردانیده ولی مجلس دیگر سرنگرفته و برهم خورده رئیس الوزراء در موقع متفرق شدن مردم گفته است نتیجه مجلس این شد که یادداشت بمجلس شورای ملی برود ممتاز الملك گفته است خیر این هم نتیجه نشد بلکه مجلس بی نتیجه ماند و مردم متفرق شدند. و اما علت توقیف نگارنده - توقیف من دو سبب داشته یکی آنکه نخواسته اند من با مردم بسیار که بیرون دربار جمعند روبرو شد قضایا را برای آنها نقل نمایم مبادا



### دسیسه کاری و کشف حقیقت

فتنه بزرگ شود و دیگر آنکه وکلای فرمایشی مجلس که میخواهند از همین درخارج شوند و از میان همین خلق بگذرند تصور کرده اند هرچه کمتر مردم بر اصل واقعه آگاه گردند برای آنها کم خطرتر خواهد بود و باین سبب خواسته اند مرا توقیف کنند تا آنها روانه شوند. چنانکه شنیده میشود يك عده از ایشان که بیشتر مورد بدگمانی مردم هستند از راههای غیر معمول و با کمال احتیاط خود را از محوطه دربار بیرون افکنده اند. و بالاخره چون مجلس برهم میخورد و هیئت علمای روحانی میخواهند روانه شوند میشوند با نگارنده این رفتار شده است بصورت اجتماع باین حجره آمده مرا با خود میبرند و تا با جمعیت بیرون دربار روبرو نشوند از راه باغچه‌ئی که اتصال بدربار دارد بیرون میروند و از وسط میدان ارك خارج میشوند در این حال دیده میشود که چند هزار جمعیت فضای این میدان را پر کرده است و همه انتظار دارند از اصل واقعه خبردار گردند و خواه و ناخواه مرا کشیده و برده ببیان کردن واقعه وامیدارند. مردم تا يك اندازه خبردار شده اند که بواسطه مذاکرات نگارنده بیگانگان و بیگانه پرستان از این مجلس نتیجه نگرفته اند و هم بررنجش بیجای باره می از نمایندگان همدست بیگانه پرستان آگاه شده از این روضدای زنده باد و مرده بادشان بلند است و در عین حال خوشحالند و چنان مینمایند که روح تازه‌ئی در بدن آنها دمیده شده است.

نگارنده بخطابه شروع کرده میگویم خدا و وطن خدا را بپرستیم و وطن را نگاهداری نمایم شرحی از حق حاکمیت و از نعمت مشروطه و از قانون اساسی و تجاوزاتی که در انتخابات برخلاف مصلحت مملکت شده نقل نموده شرح میدهم قضیه یادداشت انگلیس و آنچه در مجلس عالی گذشته است و در عین آنکه خلق را بآرامی و بردباری و متانت توصیه میکنم آنها را تحریص مینمایم که در نگاهداری حقوق مشروع خویش تا آخرین نفس بکوشند و بر مسرت خاطرها افزوده میشود آری مردم تهران بعد از چند سال که اغلب در فشار حکومتهای نظامی و سیاست بازی بیگانگان بوده اند حرف قانون و مشروطه و حقوق حاکمیت ملی میشوند و خصوصاً که میبهند خطری که با اساس استقلال آنها نزدیک شده بود عجاله دور شد البته خوشحالند و حزن و اندوه

و بهتی که ساعتی پیش در میان آنها حکمفرما بود دیگر دیده نمیشود. مردم تهران در این وقت برای اظهار قدردانی و توجه بخدمتگذاران ملت تا چند روز دسته دسته و فوج فوج بتبریک نگارنده میآیند و از طرف دیگر بدیبهی است که حسودان و خیانتکاران از نگارنده دلتنگ هستند و سی دست خدا بالای دستهاست.

انعکاس این واقعه و اثر خوشحالی آن در دل مردم ولایات کمتر از خلق تهران نیست اما چه فایده يك ملت تهیدست از معلومات لازم تا بلائی میرسد بیجان میآیند و چون موقتاً دور میشود از خیابان افتاده بفکر چاره اساسی نمیفتند.

نگارنده بعد از واقعه دربار دقیقه‌ئی آرام نگرفته ملت را بجمع آوری قوای صالح و تشکیل صندوق ملی و کمک مادی دادن بدولت برای رفع حاجت فوری او مخصوصاً در جمع آوری قشون متفرق شده تشویق مینماید افسوس که وطنپرستان تهی دست‌اند و زور و زر در دست بیگانگان و بیگانه پرستان دارند گمانی هم در هر لباس هستند که علاقه آنها تنها بنگاهداری دارائی خویش است بهر صورت و بدست هر کس بشود بحال آنها تفاوتی ندارد.

عمده وجوه نقدینه دارندگان از شخص پادشاه و رجال دولت و حتی روحانی نمایان متمول در بانک شاهی ایران و انگلیس جمع شده است و در این وقت باقتضای سیاست استعماری انگلیس بانک مزبور در دادوستد را بروی خلق بسته است.

بانک شاهی روح و جان اقتصادی این ملت را در قبضه قدرت خود گرفته است و تمام راههای داد و ستد خارجی را بسته و در این وقت که بحران شدید اقتصادی رویداده است بصلاح سیاست دولت خود اعلان کوچ کردن از این مملکت را داده شعبه های خود را در ولایتها جمع کرده نقدینه مرکزی خویش را از مرکز بنادر فارس برده است در صورتیکه هیچ ضرورت این اقتضا را نداشته است و اگر احياناً ترس آمدن بلشویک روس و یا متجاسرین ایرانی او را باین احتیاط و امید داشته است ممکن بود بطور مخفی این احتیاط را رعایت کند نه اینکه صدای برچیدن بساط خود را با این هیاهو بلند کرده. روز روشن صندوقهایی را که معلوم نیست چه در بردارد در ۱۰ ماه عام

بگاریها ریخته بعنوان سرمایه بانک و با مستحفظین هندی ببنادر حمل نمایند و اسباب اضطراب خاطر خلق را فراهم آورد.

مردم هم حق دارند مضطرب باشند چونکه بانک دیگر که رقیب این بانک بوده باشد در مملکت وجود ندارد صرافخانه های دیگر داخلی را دسایس این بانک و بی وضعی مملکت و بیفکری اولیاء امورش از هم متلاشی ساخته پاریسیان صرافخانه های معتبر داشتند و رشکستند طومانیانس داد و ستد نقدی مهمی که داشت برهم خورد دودسته صرافخانه کوچک شخصی که باقیمانده است گنجایش دادوستد های بزرگ را ندارند بعلاوه برای نگاهداری آبروی خود بسیار دست بعصا راه میروند در این صورت روزی که بانک شاهی در خود را ببندد تصور میشود در تجارت و دادوستد نقدی داخلی و خارجی بروی مملکت بسته شده باشد.

این است نتیجه بی علمی ملت و بی قیدی دولت که یک صراف بیگانه با سرمایه مختصر باین مملکت آمده مشتی کاغذ پاره میان این مردم پاشیده روح ثروت مملکت را گرفته است و همه را بخود محتاج ساخته بالجمله یکروز بعد از مجلس دربار شبانگاه بطور خصوصی رئیس دولت را ملاقات میکنم او را از پیش آمد روز پیش دلتنگ مبینم خاصه که از هیجان تولید شده در خلق میتواند اندکی از زیر فشار سفارت انگلیس که در تعجیل مطالبه جواب یادداشت وارد میشود شانه خالی نماید اما از بی پولی و احتیاج شدید ادارات دولتی نگران میباشد او را با اقدام بقرضه ملی از داخله تشویق میکنم تصور نمیکند صورت بگیرد و همت پولداران مملکت را برای مساعدت با دولت و حصول این مقصود رسا نمیداند مگر آنکه پای اجبار در میان بیاید آنرا هم که قانون اساسی اجازه نمیدهد رئیس دولت در این ملاقات میکویسد خواستم مفاد یادداشت انگلیس را بروز نامه ها بدهم سفارت انگلیس مانع شد و گفت همین کارتان باقیست.

اینک ب نتیجه هایی که از بی نتیجه ماندن مجلس دربار گرفته شد اشاره نمایم. از پیش نوشته شد و توفیق الدوله رئیس اسبق دولت و عاقد قرارداد برای پیشرفت سیاست خویش میکوشید نمایندگان مجلس شورای ملی از طرفداران و دوستان بلکه از

بستگان او انتخاب کردند و بعد از عقد قرارداد و مسلم شدن اینکه رسمیت یافتنش موکول است بتصویب شدن در مجلس شورای ملی بیش از پیش در کار انتخابات دخالت کرد و کار را بجائی رسانید که دیده میشد مخالف نبودن با قرارداد بدان میماند که یکی از شرایط قانونی انتخاب شوندگان بوده باشد.

انگلیسیان هم در این موضوع او را کمک مینمودند چه بمأمورین سیاسی خود در ولایات سرآستور میدادند که در کار انتخابات نظر داشته باشند و گاهی هم نظر داشتن آنها بدخالت کردن در رد و قبول اشخاص داوطلب مبدل میشد چنانکه دوسیه های آن انتخابات که سفارشهای شفاهی و کتبی دوستانه کارکنان قنصلخانه های انگلیس را در ولایتها بمأمورین انتخابات از اشخاص طرفدار سیاست خود در بردارد مطلب را مدلل میسازد و باین تفصیل توانسته اند بیش از سی نفر مقطوع بطرفداری از خود یا مشکوک تهیه نمایند و آنها معلوم نیست بعد از رسیدن بمقام نمایندگی و گذشتن اعتبارنامه آنها از مجلس باملاحظات بسیار که در کار است تاجه اندازه بتوانند بادوستان بیگانه خود باوفا بمانند چه ما ایرانیان بحکم تاریخ شتر هیچ بیگانهئی را ( بگفته عوام) تظاهر نمیچرانیم.

مجلس در بار پرده را از روی این کار برچیده آشکار کرد که یکعده از انتخاب شدگان ساختگی و فرمایشی هستند و اکثریتی که از وجود آنها در مجلس حاصل شود محل اعتماد ملت نخواهد بود دیگر آنکه مجلس در بار انگلیسیان را از گذشتن قرارداد از مجلس شورای ملی هر قدر هم که در ساختن آن اهتمام کنند ناامید ساخت و حس کردند نمیتوانند هیچگونه اختیاری در مداخله بکار زور و زور مملکت بطور قانونی از ملت بگیرند تا برابر دولتهای دیگر بموجب آن اختیار قانونی اولی بتصرف از دیگران بوده باشند.

مجلس در بار التهاب شدید انگلیسیان را که میخواهند برای مقصدی که داشتند بشوریت مقصود از یادداشت را بدست بیاورند فرو نشانید بلی انگلیسیان چنانکه از پیش نوشته شد میخواهند معاهده روس و ایران را که روی بال و پراصطکاک هوا با نلگراف بی سیم خبرش با آنها رسیده است و بمهم بزودی خواهد رسید بر کار تمام شدهئی

### دسیسه کاری و کشف حقیقت

وارد سازند که برای ما جز افسوس که چرا در پذیرفتن یادداشت استقلال بر باد داده دو سه روز دست نگاه نداشتیم نتیجه نمی نداشتند باشد .

مجلس دربار کار را عقب انداخت تا عهد نامه مزبور رسیده مورد توجه مملکت شد و دوباره رقابت روس و انگلیس در ایران شروع گشت و جسم ناتوان ایران از زیر فشار سیاست يك پهلوی خارجی در آمد و بالاخره مجلس دربار این شبهه را بر طرف ساخت که تصور میشود روح ملیت از کالبد ایرانی پرواز کرده است و در این پیکر دیگر يك رگ جنبنده و یا يك قطره خون جاری موجود نمیشد .

بلی هموطنان عزیز من در موضوع مخالفت با قرارداد و توثق الدوله و انتخابات مصنوعی که هر دو دوتیر بود از يك ترکش در آمده و بيك هدف میخورد اظهار هویت و موجودیت کردند و در میان ناامید بیا که ناشی از عملیات سست و بی رویه قوه حاکمه این مملکت است بروز این احساسات رایحه امیدواری میدهد گرچه در آینده دورتری بوده باشد .

## فصل بیست و سوم

### معاهده روس و ایران و احوال عمومی

اینجا نیز پرده‌های کشید و سیاست نوری روشن روس را در روی پرده دیده حرکات سیاسی عمیق و تاریک انگلیس را در پس پرده مشاهده نمائیم .  
روزی دوسه از تاریخ مجلس دربار گذشته است که خیرهای مسکو را جمع بمقدار معاهده روس و ایران در تهران منتشر شده محفلهای سیاسی را بخود مشغول میسازد و ملیون را روح حیات تازه میبخشد آیا شگفت نیست که ایرانی از شنیدن لغت روس همان لغت که منفورترین لغتها بود در گوش او اکنون خوشحال گشته از بستن عهد نامه مودت با وی روح حیات ملیش باهتر از آید ؟

نه شگفتی ندارد این اثر در روس نیست و این خوشحالی از روی خصوصیتی با آن دولت و ملت نمیباشد بلکه سرچشمه این خشنودی عمومی ملاحظاتی ذیل است :  
(۱) اشخاص منورالفکر ما میدانستند تجاوزهایی که بحقوق ملی ما از سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بلکه مذهبی میشود بحکومت ستمکار حق شکن در بار تزاری مربوط است بی آنکه ملت روس از آنها آگاه و یا خشنود بوده باشد در این صورت در سرنگون شدن کانون ستمکاری در بار مزبور تصور میکنند بدست قدرت الهی از ستمکاران انتقام کشیده شده است از این رو نسبت باشخاصی که واسطه کشیدن این انتقام شده اند خوش بین گشته اند .

(۲) ایرانیان منورالفکر میدانند چنانکه اکنون سیاست انگلیس آنها را بعضیقه انداخته است در دوره حکومت تزاری نیز یک قسمت از بدبختیهای آنها که از طرف روس میرسید بارش در لندن بسته میشد و بدست مأمورین روس در ایران گشوده میگردد در اینصورت بکسانی که این راه غیر مستقیم بدبختی را بروی آنها بسته اند و این حربه را از دست انگلیس گرفته اند متمایل میباشند .

(۳) ملیون ایران که سیاست و اقتصاد خود را مقهور دست سیاست انگلیس میبینند تصور میکنند رسیدن سیاست تازه روس وسیله‌ئی برای خلاص شدن ایشان از قید مقهوریت مزبور خواهد بود و نمیتوانند عواقب امور را ببینند عواقبی که دیدنش برای مردم از ماعاقبت بین ترهم آسان نمیباشد و بهر صورت باز شدن پای سیاست جدید شمالی را فرج بعد از شدت تصور میکنند.

(۴) اگر چه در ایران هلاکی و سرمایه داری چنانکه در بعضی از ممالک دیگر موجود است وجود ندارد در مملکت ما نام مالکیت با ارباب است ولی ارباب و رعیت در نفع و ضرر شریک هستند و اتفاق میفتد زمینی را که رعیتی کشت میکند همه وقت در دست او و گذشتگان و آیندگانش باقی بوده و میباید و با فروش ملک و تغییر مالک هم رعیت تغییر نمیکند ولی باز پاره‌ئی از مالکین هستند که در حق رعیت ستم کرده‌اند او بانصاف رفتار نمی نمایند و هم سرمایه هائی از نقد و جنس در دست دارند کافی هست که اگر بکارهای عمومی بیفتد زندگانی اجتماعی ما را بهتر میسازد در این صورت افکار سوسیالیستی در طبقه سیم بیشتر و در طبقه دوم کمتر رو بتزاید و تهییج است و صاحبان آن افکار بروس کنونی توجه دارند.

(۵) موضوع تجارت ایران است با روس باید دانست که بموجب احصائیه در تجارت ایران با روس همیشه یا اغلب صادرات بر واردات برتری داشته است و از همین جهت شمال و مشرق ایران از قطعات دیگر مملکت آبادتر و باثروت تر بوده است و بعد از انقلاب روسیه که کلز داد و ستد با آن مملکت مختل ماند حتی رعیت‌های دور از سیاست اقتصادی هم پی بردند که تجارت با روس برای آنها يك مسئله حیاتی است مأكولات زیاد که بیشتر در ماوراء رود ارس و بحر خزر بمصرف میرسد روی هم ریخته فاسد میشود و خریدار ندارد از يك طرف محصول آنها پول نمیشود و از طرف دیگر لوازم زندگانی را که بقیمت مناسب باوجه آن محصول از روسیه بدست می‌آوردند اکنون باید از امریکا یا انگلستان با قیمت ده یا بیست برابر افزون خریداری نمایند در این صورت معاهده روس و ایران را که موجب رواج تجارت شمال تصور میکنند البته باعسرت بسیار تلقی مینمایند.

(۶) ایرانیان از شنیدن اخبار فجایعیکه اخیراً در روسیه رویداده اندیشناکند در صورتیکه هنوز معلوم نیست تاچه اندازه از ناحیه سیاست خارجی دشمنان آنها بر آن قضایا شاخ و برگ نهاده شده باشد و میترسند قشون سرخ بر ضد سیاست انگلیس باین مملکت وارد شود و هم باشخاص متعصب در آئین خاطر نشان شده است که بعضی از مرام بلشویکی مخالف آئین ماست و از این رونمیخواهند آن مرام بایران سرایت نماید و معاهده روس و ایران را سدی در برابر آن تصورات وحشتناک میدانند .

(۷) ملیون ایران میدانند و ورود قشون انگلیس بجنوب این مملکت که بالاخره خود را بشمال هم رسانید در ظاهر بیبانه بودن قشون روس در شمال بوده است و عهد نامه روس و ایران محقق میدارد که قشون روس دیگر با بخاک ایران نخواهد گذارد و در این صورت انگلیسیان ناچار خواهند بود قشون خود را از خاک ایران بکلی خارج نمایند .

(۸) ایرانیان محاسبات خود را باروسیه تزاری سنگین میبینند زیرا از يك طرف دعاوی خسارتی بسیار مالکی حقی و شرفی بر روسیه تزاری دارند و قطعاً روس بلشویک از تسویه این دعاوی ابا خواهد کرد و هم ممکن است روس کنونی بخواهد از بابت مطالبات بانک روس در ایران و از بابت لوازم جنگی که در آذربایجان داشته اند و غیره طرح دعاوی بر ما بنماید در اینصورت عهد نامه می که تمام دعاوی فرضیه آن طرف را ساقط نماید و در ازای حقوق پایمال شده ایران تعویضاتی بدهد از بخشیدن قروض سابق از مسترد داشتن املاک و اراضی که تحت فشار از ایران گرفته اند از واگذاردن مؤسسات و متعلقات خودشان در ایران بملت آزاد ما بعلاوه لغو کردن عهدنامه های قدیم که همه بحال ایران مضر بوده است حتی عهدنامه های مشترک با دولت دیگر را البته صلاح مملکت و موجب مسرت فوق العاده خاطر ایرانیان میباشد و آینده روشنی را بخود وعده میدهند .

معاهده روس و ایران - در روز نامه نیم رسمی ایران شماره ۸۱۴ هشتصد و چهارده در سیم ماه ربیع الثانی یکهزار و سیصد و سی و نه هجری (۱۳۳۹) شرح ذیل منتشر گشت .



مواد ذیل در مسکو تحت نظر کمیسر خارجه و نماینده ایران نوشته شده و بهیئت معظم دولت در تهران پیشنها شده و در نتیجه مجلس مشاوره عالی بعضی از آن جرح و تعدیل شده بدین صورت که ذیلا درج میشود روز جمعه گذشته بتوسط آقای منشور الملک با ستارا مخابره گردیده که از باد کوبه با آقای مشاور الممالک سفیر کبیر ایران در روسیه مخابره شود و اختیارات تام با آقای مشاور الممالک داده شده است که در مسکو آنرا از طرف دولت ایران قطعیت داده با مضای حکومت سویتی برسانند.

(۱) دولت جمهوری روسیه تمام عهد نامجات و قراردادها و معاهدات دولت سابق روسیه را با ایران لغو مینماید.

(۲) دولت جمهوری روسیه تمام معاهدات و قرارداد های دولت سابق روسیه را با دولت ثالثی راجع بایران لغو مینماید.

(۳) دولتین متعاهدتین از دخالت در امور داخلی یکدیگر احتراز میورزند و هر

(۴) دولت جمهوری روسیه قروض ایران را بروسیه باطل می شمارد و در هر محلی که برای تأدیه قروض مزبور معین شده بود دخالت نخواهد نمود.

(۵) روسیه بانک استقراضی را با نقود و اشیاء و محاسبات و احوال منقول و غیر منقول آنرا با ایران تفویض مینماید.

(۶) روسیه شوسه انزلی تهران قزوین همدان و کلیه متعلقات آن و اسکله و وسایط نقلیه در راه ارومیه را و تمام خطوط تلگرافی که روسیه در ایران کشیده است و پرت انزلی و تمام متعلقات آنرا با ایران تسلیم و تفویض میکند.

(۷) دولتین متعاهدتین در کشتیرانی در بحر خزر حق متساوی خواهند داشت.

(۸) تمام امتیازاتی که دولت سابق روسیه و اتباع آن از ایران گرفته اند از درجه اعتبار ساقط است اراضی و املاکی که روسیه سابق دارا بود فقط عمارت سفارت در تهران و زرگنده و عمارات کنسولگریها بملکیت روسیه باقی میماند دولت ایران هم وعده میدهد که امتیازات مزبور را بدولت خارج دیگری یا بتابع دولت دیگر ندهد دولت روسیه در اداره کردن قریه زرگنده مداخله نخواهد داشت الغای امتیازان البته شامل راه آهن جلفای تبریز و کشتیهای دریای ارومیه هم خواهد بود.

(۹) جزیره اشوره ده و فیروزه بدولت ایران اعاده میشود و در رود انرک طرفین متعاهدتین حق متساوی دارند برای رفع اجحافات از هر حیث اراضی و میاه در طرف خراسان کمیسیون از روس و ایرانی معین و اختلافات را رفع خواهند کرد دولت ایران مالکیت روس را در سرخس روس تصدیق مینماید .

(۱۰) دولت روس تمام ادارات روحانی روس را در ایران منحل و عمارات آنها را بایران واگذار مینماید که برای تأسیسات ملی بکاربرند .

(۱۱) حق قضاوت قسولها بکلی باطل شده و رعایای طرفین روس و ایران تابع قانون محلی خواهند بود .

(۱۲) اتباع طرفین در خاک یکدیگر از خدمت نظامی و پرداخت عوارض جنگی معاف هستند .

(۱۳) در مسافرت اتباع طرفین در خاک طرفین رعایای روس در ایران و رعایای ایران در روس حقوق ملل کامله الوداد را خواهند داشت .

(۱۴) تجارت و حقوق گمرک امتعه روس در ایران بموجب نظامنامه علیحده در کمیسیون مرکب از طرفین معین خواهد شد .

(۱۵) طرفین حق ترانزیت در خاک یکدیگر خواهند داشت .

(۱۶) طرفین متعاهدتین هر چه زودتر باب مخابرات پستی و تلگرافی را باز خواهند کرد و قرارداد آن توسط کمیسیون علیحده معین میشود .

(۱۷) طرفین در پایتخت یکدیگر با رعایت حقوق بین المللی نماینده سیاسی خواهند داشت .

(۱۸) طرفین در نقاطی که لازم بدانند تأسیس قسولگری خواهند نمود و باید این تأسیس و تعیین قسولگری قبلاً با اطلاع و تصویب طرفین رسیده باشد .

(۱۹) اگر قشون دشمن روسیه بخواهد از ایران بروسیه حمله کند پس از آنکه دولت روسیه توجه دولت ایران را باین مسئله جلب کرد اتمام حجت خواهد نمود در صورتیکه دولت ایران قادر بجلوگیری نشد ممانعت از ورود قشون روس نخواهد کرد و روسیه از آذربایجان و ارمنستان در تجاوز بایران ممانعت خواهد نمود .

- (۲۰) هرگاه صاحب‌منصبان بحری که دولت ایران استخدام نماید از خدمت دولت ایران بخواهند سوء استفاده نموده بر علیه روسیه اقدام نمایند روسیه انفصال آنها را از ایران خواهد خواست .
- (۲۱) دولت ایران وعده میدهد که در باب اعطای امتیاز شیلات با کمپانیهای مرکب از تبعه ایران و روس داخل مذاکره شود برای فروش و حمل ماهی بروسیه موجبات تسهیل در قرارداد تجارتی و گمرکی فراهم خواهد نمود .
- (۲۲) در هر شهری که بانک استقراری خانه داشته باشد و در آنجا قنصلخانه روسیه منزل نداشته باشد یکی از خانهای بانک برای قنصلگری داده خواهد شد .
- (۲۳) روس متعهد میشود تمام خساراتی که از قشون روس بایالت گیلان وارد شده جبران نماید برای تعیین خسارات کمیسیون از طرفین منعقد خواهد شد .
- (۲۴) عهد نامه در مدت سه ماه بتصویب طرفین خواهد رسید .
- (۲۵) عهد نامه بروسی و فارسی نوشته شده و هر دو مضمون سندیت خواهد داشت
- (۲۶) عهد نامه بعد از امضاء فوراً مجری خواهد شد .
- صورت معاهده مزبور بتوسط منشور الملک که در باد کوبه انتظار جواب دارد بمسکوف فرستاده میشود و چون يك ماده که روسها خواسته اند و مفادش همانعت نکردن دولت ایران است از نشر مسلک بلشویکی در این مملکت در اینصورت حذف شده است بمشاور الممالک اجازه میدهند گرچه در ضمن يك مکاتبه رسمی بوده باشد آنرا بپذیرد و بگوید این چیزی نیست که در عهد نامه نوشته شود .
- این اقدامات دولت در ملیون حسن اثر کرده از هر کس در همه جا اظهار بشاشت و رضایت شنیده میشود اما کسانیکه از اوضاع روزگار چندان بیخبر نمیشاندند و مخصوصاً انگلیسیان را میشناسند نمیتوانند این مسئله را باین سادگی پذیرفته و باین آسانی گذشته و تمام شده پندازند .
- بلی آ تقسمت از عهد نامه که داده های روس است بایران نزد انگلیسیان بی اعتنا و نزد ایرانیان بخشش دوست اشکالی ندارد ولی چگونه انگلیسیان راضی میشوند سفیر بلشویک با جمعی کار گیر تهران وارد شده درهای سفارت روس را برای انتشار

افکار بلشویکی و اشتراکی کاملاً باز بگذارند و برای خروج و دخول اشخاص مخالف سیاست انگلیس که اغلب بنور الافکاران هستند رادعی و مانعی نبوده باشد و همچنین چگونه انگلیس در موضوع ماده نوزدهم سکوت میکند که قشون روس برای بیرون کردن قشون ییکانه دیگر که خود اوست حق داخل شدن بخاک ایران را داشته باشد و بهر صورت انگلیسیان چگونه رضایت دادند این عهد نامه از کابینه سپهبدار اعظم بکنند باینکه کابینه مزبور کاملاً در دست قدرت آنهاست این مطلبی است که درست نمیتوان فهمید و البته بی رضایت آنها نگذشته است و دیگر سلطان احمد شاه را که از ترس دارائی خود از شنیدن نام بلشویک بیشتر وحشت دارد تا نام ملك الموت چگونه راضی کرده اند در ایران در تبلیغات بلشویکی گشوده گردد پس بگفته عوام باید زیر این کاسه نیم کاسه‌ئی بوده باشد که باطمینان نقشه‌ایکه در پس پرده است میخواهند عهد نامه مزبور بجزایان تصویب بیفتد سرروسها را بکار معاهده گرم کنند و مایون را که با بیصبری انتظار گذشتن معاهده را دارند از جوش و خروش بیندازند تا بفرات خاطر اسباب اجرای نقشه‌ئی را که در دست گرفته‌اند و چند روزی وقت لازم دارد فراهم بیاورند و آنچه در پس پرده است آشکار گردد و بتوانند مقاصد را بصورت دیگر انجام بدهند .

## فصل بیست و چهارم

### امرار وقت و پریشانی احوال دولت

پیش از آنکه پشت پرده سیاست بازی را ببینیم لازم است شمه‌ئی از اوضاع سلطنت و دولت بیان نمایم .

شاه که بانهایت اصرار میخواست بارویا برود. و ملیون صلاح نمیدیدند و میگفتند اگر میرود باید استعفا بدهد و برود و نه تنها افکار وطنپرستان مخالف مسافرت او در این موقع باریک بود بلکه از دربار لندن هم بزبان وزیر مختار آنها پیغام باو میرسید حرکت نکنند و باتخت و تاج خویش بازی ننمایند و او نمیپذیرفت ناگهان عزم رحیلش باقامت مبدل میگردد و بااطمینان خاطر میماند پیداست آگاه شده است نقشه‌ئی در کار است که خیال او را از آنچه از آن میترسد آسوده خواهد نمود .

و اما دولت و دولتیان - بعد از مجلسی که سپهبد اعظم مرکب از شاهزادگان و رجال اولی مملکت برای شور در عهدنامه روس و ایران منعقد ساخت و آن کار بصورتیکه نوشته شد پایان یافت کشمکش باطنی میان منتظرالوزاره‌ها و رئیس دولت شدت کرد بر سر مسند ریاست و بابگفته دوطرف بر عایت مصالح مملکت .

در این کشمکش چهار نفر وزیر کاشان رفته و برگشته بیشتر دوندگی دارند خود را وجیه‌المله و اولی بدخالت در کارهای ملکی میدانند و کمک میدهند افکار آنها را بر ادبی یکی از ایشان با میرزا جواد خان سعدالدوله که میخواست رئیس دولت بشود و این چهار تن را هم بعضویت بپذیرد اما ملیون با ریاست سعدالدوله موافق نیستند و سعی وجیه‌المله‌ها هم در موافق کردن آنها بی اثر میماند در این صورت کسی که بتواند دولتی تشکیل کند و آن چهار نفر را هم بعضویت بپذیرد میرزا حسن خان مشیرالدوله اولاً و میرزا حسنخان مستوفی الممالک است ثانیاً اشخاص دیگر هم در کار هستند که از آنهاست عبدالحسین میرزای فرمانفرما .

## وصل بیست و چهارم

فرمانفرما چند سال والی فارس بوده در اینوقت بتهران آمده پسرش فیروز میرزای نصره الدوله وزیر خارجه سابق را از اروپا طلبیده میکوشد رئیس دولت بگردد.

نگارنده بموجبی درایام ورود او بتهران ازوی دیدن مینماید در مجلسی که پر است از محترمین تهران بشاهزاده میگویی شنیدهام در راه زمین خورده اید صدمه می بدهانتان وارد شده جواب میدهد با یک صدای آمیخته بغرور و تکبر بلی طبیعت مشتی بدهان مازد تاکی بتوانیم آنرا تلافی نمائیم.

نگارنده بدون ملاحظه میگوید تلافی کنید! یعنی مشتی بدهان طبیعت بزیند خیر هرگز چنین تصویر را بخود راه ندهید اگر او بهمین اندازه قناعت کرد شما هم راضی باشید که مشت دوم را نزنند این جواب نه تنها شاهزاده مغرور را شرمنده میسازد بلکه از این جواب وسؤال حال بهت وحیرتی در وجود حاضرین روی میدهد وبالاخره شاهزاده معذرتی میخواهد و میگردد.

بالجمله بعد از چند روز یک ملاقات خصوصی از این شاهزاده نموده باو میگویی باینکه میدانم نصیحت در وجود شما اثری ندارد باز محض اتمام حجت میگویی دنیا دگرگون شده است و سیلی رو بمملکت ما میآید که هر سدی در راه او باشد محومیشود و خار و خسپا را از میان میبرد اوضاع حاضر هم قابل دوام نمیشود امروز روزی است که شما پیش افتاده با سرمایه قابلی که دارید قوای متفرق شده نظامی را جمع کنید مخصوصا قوه قزاق را که در حال بریشان است مرتب ساخته بدولت و قوای آن مرکزیت داده باصلاحات داخلی پیردازید و از تجاوزات خارجی جلوگیری کنید از بلشویک روس هم وحشت نکرده خود را کرباتکین ایران نمائید.

فرمانفرما از روی حیرت میگوید من چگونه میتوانم کرباتکین ایران بشوم. نگارنده - کرباتکین اول سردار دولت تزاری در دوره بلشویکی روسیه هم توانست خدمت بزرگ بوطن خود بنماید چون فداکاری کرده دارائی هنگفت خود را درسفره عمومی گذارد و اگر این کار را نکرده بود اوهم مانند دیگر همقطاران او بلکه مانند امپراطور معظمش بدترین عقوبتها گرفتار گشته بود.

فرمانفرما میگوید اگر آن سیلی که گفتید برسد من هم جزو آن خار و خسپا

امرار وقت و پریشانی احوال دولت

خواهم بود که از میان میرد جواب میدهم اگر آن کار که گفتم کردید دیگر خار و خس نخواهید بود فرمانفرما اظهار میکند بمن تکلیف ریاست دولت را میکنند نمیپذیرم ولی برای ریاست قشون حاضر هستم و در مدت شش ماه سی هزار قشون حاضر کرده جلوگیری از بلشویک را هم تعهد مینمایم .

اینجا میفهماند که میخواهد باین عنوان و از این راه باز دخلی کرده بردارائی هنگفت خویش بیفزاید و انتظار فداکاری و وطنپرستی از اینگونه رجال داشتن خبط و خطاست .

فرمانفرما میکوشد بمقصد خود برسد و زمامدار مملکت بگردد ولی نه ملیون میپذیرند و نه دوستان خارجی او بعد از فریبی که از پسرش نصره الدوله در کار قرارداد خوردند دیگر فریب حرفهای او را میخورند ناچار بمیرزا حسن خان مستوفی الممالک متوسل میشود که او را رئیس دولت بکند و خود وزیر جنگ بگردد در این وقت نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری هم باز بخیال ریاست دولت افتاده ششم یا هفتم اشخاص داوطلب میگردد و حوزه خود را گرم کرده بیکار آنرا وعده کار میدهد سفره ایلاتی خود را پیش از پیش برای سورچرانان میگستراند و بقدری هیاهو راه میندازد که سپهدار اعظم استعفا داده کنار میرود و بحران دولت بطول میانجامد چه اشخاص وطن دوست با مشکلاتی که در کار سیاست خارجی هست با آسانی و بی شرط و قید نمیتوانند زیر بار بروند رقابت شدید اشخاص ریاست طلب و منفعت پرست هم قوای مختلف آنها را درهم شکسته نمیکند و هیچیک بمقصد نزدیک گردند .

شاه هم که پیش از این از بحران دولت اندیشه داشت در این وقت اندیشه نمی ندارد و بالاخره مستوفی الممالک که بواسطه کم طمع و تهی دستی که از مال دنیا دارد جرئتش از دیگران بیشتر و ملاحظه اش از خارجه ها کمتر است از طرف شاه مأمور تشکیل دولت میشود .

مستوفی الممالک از شاه مهلت میطلبد بلکه قبلا با انگلیسیان در موضوع قرارداد مذاکره کرده بلکه راهی برای لغو کردن آن بدست آورد و بتواند میمجنور مجلس را باز نماید و بامجلس کار بکند .